

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی

مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها

اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی)
سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹
ص ۱۹-۳۲

دجال شناسی تطبیقی در الهیات اسلامی و مسیحی

سیدمهدی امامی جمعه* آزاده جهان احمدی**

چکیده

یکی از نقاط مشترک در ادیان ابراهیمی وجود یک نجات دهنده در آخر الزمان است که بر اساس آن شاهد بر چیده شدن بساط ظلم در جهان هستیم. با بررسی در منابع دینی ادیان مسیحیت و اسلام به علایم مشترکی برای واقعه عظیم ظهور می‌رسیم که یکی از آنها ظهور دجال در اسلام و آنتی کریست (ضد مسیح) در مسیحیت است. هرچند که پیشینه و پسینه هر دو دین درباره این مفهوم باهم متفاوت است، اما نقاط مشترک هم در این زمینه یافت می‌گردد که از مهمترین نقاط مشترک رویارویی با مصلح در برپایی حکومت عدالت محور است. در این مقاله، ضمن بررسی این مفهوم مشترک در این دو دین، به بررسی عملکرد وی در منابع اسلامی اشاره کرده‌ایم و بر اساس کد رمزهای مطرح شده در منابع مسیحی و اسلامی، به بررسی مصادیق این مفهوم مشترک در الهیات مسیحی و اسلامی پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی

دجال، آنتی کریست، عدد وحش، تفسیر نمادین مفاهیم دینی، مصادیق دجال.

مقدمه

که با سامان بخشیدن مشکلات دیرینه انسان،
روزگاری همراه با آسایش را برای او رقم خواهد زد

به اعتقاد ادیان الهی و بشری، جهان در پایان عمر
خویش، شخصیت نجات بخشی را تجربه خواهد کرد

در آموزه‌های آخر الزمانی ادیان مسیحیت و اسلام، یکی از مفاهیم مشترک و تا حدی منطبق بر هم مفهوم دَجّال است.

دَجّال از ریشه دَجَلْ به معنای دروغگو، حيله گر، حقه باز، افسونگر و متقلب است. در زبان عربی فعل آن به معنی آب طلا یا آب نقره است. از این رو، افراد بسیار دروغگو را که باطل را حق جلوه می دهند، دَجّال می نامند (تونه‌ای، ۱۳۸۴: ۳۱۸).

ازهری می گوید: «كُلُّ كَذَّابٍ فَهوَ دَجَّالٌ وَ جَمَعَهُ دَجَّالُونَ، وَ قِيلَ سُمِّيَ بِذَلِكَ لِأَنَّهُ يَسْتُرُ الْحَقَّ بِكَذِبِهِ» (ابن منظور، ۱۴۱۸: ۲۳۷/۱۱).

فراهیدی مفهوم دَجّال را دقیقاً در برابر حضرت عیسی (ع) معرفی می کند: «الدَجَّال: هُوَ الْمَسِيحُ الْكَذَّابُ وَ أَمَّا دَجَلُهُ سِحْرُهُ وَ كَذِبُهُ» (همان، ۸۸/۶).

دَجّال صفت است که برای شخص یا جریانی که پیش از ظهور منجی آخر الزمان در دوره‌ای دنیا را پر از ظلم و ستم می کند و نهایت امر او هم نابودی به دست حضرت ولی عصر (عج) است که دنیا را از لوٹ وجود و ستم او پاک خواهد نمود (حسینی دشتی، ۱۳۶۹: ۳۶۲/۳).

در دین مسیحیت نیز در باب مقابله با حضرت مسیح در رجعت دوباره آن حضرت در آخر الزمان مفهومی به نام آنتی کریست یا ضد مسیح مطرح شده است.

هم دَجّال و هم ضد مسیح ماهیتی ضد موعودی دارند و تلاش آنها در راستای مقابله با اصلاح جامعه انسانی به دست منجی است.

و در پی آن عدل در پهنه گیتی گسترش خواهد یافت و ایمان در جای جای جهان رخ خواهد نمود.

در مسیحیت پسر انسان، همان نجات بخش وعده داده شده است. مستر هاکس در قاموس کتاب مقدس بر این باور است که اصطلاح پسر انسان هشتاد بار در عهد جدید به کار رفته که فقط سی مورد آن با حضرت مسیح (ع) قابل تطبیق است و پنجاه مورد دیگر از مصلحی سخن می گوید که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد (هاکس ۱۳۴۹: ۲۱۹).

در منابع اسلامی نیز به ظهور موعودی، از نسل آخرین پیامبر خدا در زمین به نام حضرت مهدی (ع) با عنوان مصلح و رهبر جهان در پایان روزگار بشری اشاره شده است (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۲۰-۱۶۷).

جدای از سخن مشترک ادیان از وجود یک نجات بخش در پایان دنیا، ادیان گوناگون، به ویژه ادیان الهی برای آمادگی هر چه بیشتر پیروان خویش، با پیشگویی نسبت به آینده آنان را از خطرات و مشکلات فرار و آگاه ساخته اند.

یکی از عناوین مشترک بین منابع اسلامی و مسیحی، اصطلاح دَجّال (ضدمسیح) است.

نام دَجّال هر چند در قرآن کریم برخلاف عهد جدید نیامده است، اما در منابع روایی، درباره این مفهوم آخر الزمانی با اخبار گوناگونی از جانب پیشوایان دینی مواجه هستیم.

بن حنبل در مسند، ترمذی، مسلم بخاری در صحاح خویش، ابن ماجه در سنن، ابن اثیر در نهاییه از عبدا... بن عمر و جابر بن عبدا... انصاری نقل کرده‌اند (تونه‌ای، ۱۳۸۴: ۳۱۹).

در اهل سنت، اعتقاد به خروج دجال همسنگ باور به مهدویت دانسته شده و منکر آن در شمار کافران معرفی می‌شود. جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر (ص) نقل می‌کند: «من کذب بالدجال فقد کفر و من کذب بالمهدی فقد کفر» (کورانی، ۱۴۱۱: ۱۵۷). در نقلی دیگر از رسول خدا (ص)، سه باور مهدویت، خروج دجال و نزول حضرت حضرت عیسی (ع) امری ضروری در اعتقاد اسلامی ترسیم می‌شود: «من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد، و من انکر نزول عیسی فقد کفر و من انکر خروج الدجال فقد کفر» (همان، ۳۳۴).

در باب خصوصیات جسمانی و ظاهری او، آنچه ذکر شده است حاکی از ظاهر عجیب و تا حدی زشت اوست. به این موارد توجه کنید:

۱- او مردی چاق، سرخ رو، با موی سر مجعد و اعور (یک چشم) است. چشم او همچون دانه انگوری است که بر روی آب قرار گرفته است (بخاری، ۱۴۲۲ ه.ق: ج ۷۵/۹).

یک چشم بودن او در همه روایات مربوط به قیافه او وارد شده است و از ویژگی‌های مهمی است که در وهله اول معرفی او مطرح شده است.

۲- دجال یک چشمش می‌بیند، ولی چشم دیگرش نمی‌بیند. قامتی دراز و چشمانی زاغ دارد که از

آنچه درباره دجال در روایات اسلامی وارد شده است، شناخت مبسوطی از آن را برای ما میسر خواهد ساخت.

حضرت علی (ع) در پاسخ به اصیغ بن ثباته که درباره دجال از ایشان پرسیده بود، چنین فرموده‌اند: «دجال صیاد بن صید است. شقی کسی است که ادعای او را تصدیق کند و سعادت‌مند کسی است که او را تکذیب کند، چشم راست ندارد و چشم دیگرش در پیشانی اش است و مانند ستاره صبح می‌درخشد. در پیشانی او نوشته است: این کافر است و هر شخص مومن با سواد و بی سواد آن را می‌خواند. داخل دریاها می‌شود و آفتاب با او می‌گردد. در جلوی رویش کوهی از دود است. پشت سر او کوه سفیدی است که مردم آن را غذا می‌بینند. او در یک قحطی سخت می‌آید و بر مرکب سفیدی سوار است. یک گام مرکب او یک میل راه است، زمین در زیر پای او در نور دیده می‌شود. با صدای بلند خویش، چنان ندا در می‌دهد که از مشرق تا مغرب جن و انس و شیاطین صدای او را می‌شنوند که می‌گوید: الی اولیایی انا الذی خلق فسوی و قدر فهدی انا ربکم الاعلی دجال دشمن خدا دروغ می‌گوید» (صدوق، ۱۴۲۲ ه.ق: ۳۱۳-۳۱۵).

درباره موضوع دجال و معرفی او و خصوصیات او احادیث و روایاتی دیگر نیز بیان شده است، اما پیش از بیان آنها و ادامه مطلب ذکر نکته‌ای لازم است که درباره موضوع دجال بیشتر آنچه در روایات شیعه آمده، از جانب اهل سنت نقل شده است و قسمت عمده روایات درباره دجال در اهل سنت را هم احمد

۳- حضرت علی (ع) می‌فرماید: «يُخْرَجُ مِنْ بَلَدٍ يُقَالُ لَهَا اصفهان مِنْ قَرِيهِ تَعْرِفُ بِالْيَهُودِيَةِ» (صدوق، ۱۴۲۲ ه.ق: ج ۳۱۳/۲).

از میان احادیثی که در این باره وارد شده است، ما به این سه حدیث بسنده کردیم و البته، از مجموع این احادیث حیطة تقریبی خروج او مشخص گردیده است.

دجال در اسلام آن گونه که معرفی شده است، به صراحت تمام ادعای خدایی و الوهیت دارد. به تواتر در احادیث وارد شده است هنگامی که دوستان خویش را می‌خواند، می‌گوید: ای دوستان من بیاید به سوی من، منم کسی که بشر را آفرید و اندام آن را معتدل و مناسب نمود و روزی هر کس را تقدیر نموده و همه را به یافتن آن راهنمایی می‌کنم. من آن خدای بزرگ شما هستم (صدوق، ۱۴۲۲ ه.ق: ج ۳۱۵/۲).

اما او در این راستا دست به اعمال زور و خشونت نمی‌زند، بلکه کاملاً عکس، دست به اعمالی می‌زند که جز با تصرف در امور ممکن نیست. به این حدیث از حضرت رسول اکرم (ص) توجه فرمایید: «... به آسمان می‌گوید: بار، می‌بارد. به زمین می‌گوید: برویان و زمین می‌رویند. به ویرانه‌ها آمده، می‌گوید: گنجهایت را درآور. پس برمی‌گردد و گنج‌ها همانند زنبوران عسل به دنبالش حرکت می‌کنند» (اریلی، ۱۴۲۱ ه.ق: ج ۲۷۴/۳) و (مسلم، ۱۳۹۸ ه.ق: ج ۱۹۷/۸).

آنها آب می‌ریزد. صورتش آبله روست و دهانش بوی بد می‌دهد. دندان هایش درشت است و ناخن هایش خمیده، پوست بدنش آبله دار و بی‌موست. در سرش نشانه شکستگی دارد. گردنش دراز، اخلاقی زشت و انگشتانش بسیار بلند است. صدایش طنین دار است. شانه هایش بلند و پیشانی اش فراخ است. یکی از چشمانش معیوب است و... (همان: ج ۶۰/۹ و مسلم، ۱۳۹۸ ه.ق: ج ۱۹۵/۸).

اما درباره محل خروج دجال دو نکته قابل ذکر است: ۱- اساساً درباره دجال از ظهور او صحبتی به میان نیامده است، بلکه هر چه وارد شده، خروج سخن رفته است. این می‌تواند مؤید این مطلب باشد که دجال هم اکنون هم هست، اما بحث تقابله با منجی آخر الزمان، خروج او را مطرح می‌کند و خروج هم؛ یعنی یورش و حرکت تهاجمی است. و نکته دوم هم این مطلب است که معمولاً درباره محل خروج دجال از سه مکان بیش از جاهای دیگر حدیث داریم؛ ۱- سجستان؛ ۲- خراسان؛ ۳- یهودیه اصفهان.

۱- رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «يُخْرَجُ الدَّجَالُ مِنْ سَجِسْتَانَ» (مجلسی، ۱۴ ه.ق: ج ۲۲۴/۵۲ و صافی گلپایگانی، ۱۳۷۳: ۴۲۵).

۲- امام باقر (ع) می‌فرماید: «يُخْرَجُ الدَّجَالُ مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ مِنْ مَدِينَةِ خِرَاسَانَ» (ابن حماد، ۱۴۲۳ ه.ق: ۱۲۶).

آدم را آفریده است، فتنه ای بالاتر از فتنه دجال نیست. خداوند پیامبری را نفرستاده است جز اینکه امت خویش را از فتنه دجال بیم داده است. من آخرین پیامبر و شما آخرین امت هستید. او بدون تردید در میان شما خروج می کند» (بخاری، ۱۴۲۲ ه:ق: ج ۹/۷۵).

آنتی کریست

عبارت ضد مسیح یا آنتی کریست معمولاً معادل دجال در عربی آورده می شود. جیمز هاکس در قاموس کتاب مقدس در سرتاسر اناجیل اربعه و ملحقات آن برای واژه دجال جایی جز مکاشفات و رسایل یوحنا پیدا نمی کند و مقصود از دجال را کسی می داند که با مسیح مقاومت و ضدیت می کند و مدعی جایگاه اوست (هاکس، ۱۳۴۹: ۳۷۵).

دقیقاً خلاف آنچه که در دجال مطرح است. که ادعای خدایی دارد، آنتی کریست ادعای مسیح بودن را دارد. در واقع، می توان ضد مسیح را به عنوان دشمن اصلی مسیح قلمداد کرد. کلمه ضد مسیح اولین بار در ادبیات فرجام شناسی مسیحیت آمده است.

تصویر حاکمی مقتدر که در آخر الزمان ظاهر شده و قدرتش در ضدیت با خداست، از یهودیت گرفته شده است و فرجام شناسی یهودیت تحت تأثیر افسانه های ایرانیان و بابلیان درباره پسر خدا و اهریمن در آخر الزمان است. نمادی از چهره ای تاریخی در قالب ضد مسیح، آنتیوخوس چهارم اپیفانس بود که یهودیان را آزار و اذیت و می کرد و تأثیری طولانی بر

نکته قابل تأمل این است که هر متصرف در اموری ضرورتاً از اولیاء... نیست، چنانکه مرتاضان هندی با مرارت بسیار و با ریاضت های سخت و طولانی جسمی و روحانی قدرت تصرف در امور را نیز می یابند، اما معمولاً عامه مردم با دیدن این مسائل احساس احترام و اکرام نسبت به شخص مورد نظر دارند و او را از اشخاصی می بینند که محبوب خداوند است؛ در صورتی که اگر نیت غیر الهی، ادعا و حب نفس درون این اعمال نهفته باشد: اقسام سوء استفاده ها بر این گونه اعمال مترتب است (البته، اگر این مسائل را تأویل کنیم، دیگر بحث تصرف در امور منتفی است که در ادامه به این موضوع هم خواهیم پرداخت).

پس او همزمان با ادعای خدایی و کارهای خارق العاده و البته، بدون توسل به اعمال ایذایی و زور به مردم و سرزمین ها مسلط می گردد. فتح قلوب مردم و کشورها را با عوام فریبی و دروغ انجام می دهد. به عبارتی، با همراه ساختن مردم با خویش به اهدافش می رسد.

او به آنها می بخشد، حوایجشان را برآورده می سازد، برایشان کارهای خارق العاده می کند و در نتیجه مردم همراهش می شوند و البته باید متذکر شد که فتنه های آرام و بدون شورش و خون ریزی بسیار عمیقتر و تأثیرگذارتر و صد البته خطرناکتر از مقابله ها و برخوردهای خشن هستند و شاید به همین دلیل باشد که پیامبر اکرم (ص) از فتنه دجال به خداوند استعاذه نمودند. ایشان حتی امت خویش را از این فتنه نیز بر حذر می داشتند: «از روزی که خداوند اولاد

همیشگی برای شناسایی جریانهای حق و باطل بدون مصداق یابی مدنظر ائمه معصومین بوده است.

رمزگشایی آنتی کریست

عدد هفت به طور سنتی عددی مقدس است، زیرا عدد کامل تلقی می‌شود، اما هر وقت یکی از آن کسر شود؛ شش، به وضع مخالف در می‌آید. عدد ۶۶۶ ظاهراً نمایانگر مرد معصیت؛ یعنی ضد مسیح است (Gasber, 1995: 213).

با همین توجیه بسیاری جانور کتاب مکاشفه یوحنا را منطبق بر ضد مسیح دانسته‌اند. وحش را یوحنا چنین توصیف کرده است: «در این وقت جاندار عجیب دیگری دیدم از زمین آمد. دو شاخش مثل شاخ‌های بره بود و صدای وحشتناکش مثل صدای ازدها، ... پیش چشمان همه دست به معجزات باور کردنی می‌زد؛ مثلاً از آسمان آتش به زمین می‌آورد، بزرگ و کوچک و فقیر و غنی را، برده و آزاد را وادار می‌ساخت روی دست یا پیشانی خویش علامت مخصوصی را خالکوبی کنند. هیچ کس نمی‌توانست شغلی به دست آورد یا چیزی بخرد، مگر اینکه علامت مخصوص این جاندار؛ یعنی اسم یا عدد او را بر خود داشته باشد. این خود معمای است و هر که با هوش باشد، می‌تواند عدد جاندار را محاسبه کند. این عدد، اسم یک انسان است و مقدار عددی حروف اسم او به ۶۶۶ می‌رسد» (مکاشفه یوحنا، باب ۱۳: آیات ۱۱-۱۸).

این مفهوم داشته است. از آن هنگام ویژگی‌های دائمی این چهره توصیف شده است که او در قالب حاکمی مقتدر در رأس سپاهیان عظیم ظاهر شده است، سه تن از حکام را نابود کرده و افراد مقدس را آزار و اذیت نموده است و معبد خدا را ویران خواهد کرد (See: Encyclopedia of Britanica, 1995: 450).

نام ضد مسیح به صراحت در کتاب مقدس آمده، اما مشخصات او دقیقاً بیان نشده است. «دروغگو کیست؟ جز آنکه مسیح بودن عیسی را انکار کند. آن ضد مسیح است که پدر و پسر را انکار کند» (رساله اول یوحنا، باب ۲: آیه ۲۲).

«شنیده‌اید که ضد مسیح می‌آید. الحال هم ضد مسیحیان بسیار ظاهر شده‌اند» (رساله دوم یوحنا، باب ۱: آیات ۶-۷).

همان گونه که ملاحظه می‌شود، هیچ نام خاصی به ضد مسیح اطلاق نشده و از این نظر ابهام بسیاری در این موضوع مشاهده می‌گردد. تقریباً شبیه آنچه در دجال اسلام بینم، صیاد بن صید نامی است که در اکثر روایات از آن نام برده شده است، اما خیلی بعید است که نام حقیقی دجال این باشد؛ بیشتر به نظر می‌رسد که این نام ناظر به رمز است و حضرات معصومین از بردن نام صریح او خودداری فرموده‌اند. سکوت اکثر علمای علم کلام و حدیث در خصوص نام دجال می‌تواند مؤید این مطلب باشد. چنانکه از بودن نام صریح سفیانی، یمانی و نفس زکیه هم تا حدودی اجتناب فرموده‌اند. شاید حالت هوشیاری

اذهان مردم آن دوره، نگرانی بزرگی در قالب وحشت از سقوط اورشلیم و مصایبی که به واسطه شکنجه‌های نرون امپراتور روم کشیده بودند وجود داشت (Webster's Encyclopedia, 1968: 223).

یوحنا ی ق‌دیس یکی از رهبران کلیسای قرن اول میلادی بود که به دلیل ایمانش به عیسی مسیح (ع) به جزیره ای خشک به نام پطموس تبعید شده است (Borricke: 1969: 176). یوحنا در همان آیات ابتدایی باب اول درباره آنچه بیان خواهد کرد، گفته است: «این کتاب متعلق به عیسی مسیح (ع) است. از وقایعی پرده بر می‌دارد که به زودی رخ خواهد داد. خدا به مسیح اجازه داد این وقایع را در یک رویا برای خدمتگزار خویش، یوحنا فاش کند. بعد فرشته‌ای از آسمان آمد تا معنی این رویا را برای او تعریف کند. یوحنا هم تمام اینها را نوشت؛ یعنی هر آنچه خدا و عیسی مسیح فرمودند و هر آنچه که خود دید و شنید» (مکاشفه یوحنا، باب ۱: آیات ۱ - ۲).

یوحنا ی ق‌دیس مکاشفه را برای تشویق و روحیه بخشیدن به جامعه جوان مسیحیت تألیف کرد و از جانب دیگر او به خوبی با سنت یهودی و با ویژگی خاص زبان عبری آشنا بوده است. الفبای عبری مانند الفبای یونانی به ترتیب مقدار آن دو برابر می‌شود.

A ← ۱ B ← ۲ C ← ۴ و ...

پس هر واژه دارای ارزش عددی است و با جمع مقدار عددی حروف تشکیل دهنده آن به راحتی قابل محاسبه است. کتاب مکاشفه در دوره ای پرهیاهو که حکام مستبد بسیاری سعی در به دست گرفتن قدرت داشتند، نگاشته شد. در طول تاریخ کاربرد این روش

همان گونه که ملاحظه می‌شود، توضیحاتی که درباره این جاندار و خصوصاً اسم او داده شده است، بسیار مبهم و البته راز آلوده است. یوحنا تصریح دارد که مقدار عددی حروف اسم وحش که به عدد وحش معروف است ۶۶۶ است.

اساساً فقط این مطلب نیست که در مکاشفه یوحنا به صورت رمزی نگاشته شده است. چون این بخش از عهد جدید درباره وقایع آخر الزمان است، با بقیه فصول کتاب مقدس تفاوت دارد، زیرا نه موعظه و نه بازگویی تاریخ است، بلکه شرح رویدادهایی است که در آینده اتفاق خواهد افتاد.

راز آلودگی مکاشفات یوحنا

مرجع و منبع مهم درباره شرح وقایع آخر الزمانی در دین مسیحیت، مکاشفات یوحناست. مکاشفه یوحنا، آخرین قسمت عهد جدید است که عمدتاً مجموعه‌ای از مکاشفات و بصیرت‌هاست. اکثر مطالب در مکاشفات یوحنا مربوط به آینده است، اما باید توجه داشت که اکثر قسمت‌های مکاشفه به زبان سمبلیک و استعاره است و مفاهیم عمیقی در این بخش از عهد جدید نهفته است. با این توضیح روشن می‌شود که چرا بیشتر از هر جایی رد پای ضد مسیح را باید در مکاشفه یوحنا جست (هلی، [بی تا]: ۷۴۰).

مفاهیم مطرح شده در مکاشفه یوحنا با وحشت و فاجعه در آخر الزمان و نبرد نهایی با نیروهای اهریمنی سرو کار دارد. در این نبرد، نیروی الهی پیروز می‌شود و بهشت زمینی نوین بنا خواهد شد. در

۱- کسینجر KISSINGER

$$۹۰+۸+۲۰۰+۲۰۰+۱۰+۵۰+۳+۵+۱۰۰ = ۶۶۶$$

۲- مردمان اروپای غربی LATINMAN

(LATEINOS)

$$۳۰+۱+۳۰۰+۵+۱۰+۵۰+۷۰+۲۰۰=۶۶۶$$

۳- چین CHINA

$$۶۰۰+۵+۱۰+۵۰+۱ = ۶۶۶ \text{ (همان، ۴۰۲)}$$

عده‌ای نیز بارکد را بر روی اجناس و کارت‌های شناسایی و اعتباری همان عدد وحش می‌دانند. همان گونه که پیش از این ذکر کردیم، در کتاب مکاشفه آمده است: هیچ کس توان خرید و فروش و یافتن شغلی را ندارد، مگر اینکه این عدد وحش را داشته باشد. اگر بارکد در جایگاه آنتی کریست قرار بگیرد، پس قابلیت تلقی جریانی آن قوت خواهد یافت، زیرا کتاب مقدس مشخصات دقیق ضد مسیح را بیان نکرده است و شورای کلیسا هم سعی داشته ذهن جامعه را به این قسمت از مکاشفات یوحنا ببرد که الحال دجالان بسیار ظاهر شده اند (Hinnelss: 1986: 170)

انگاشته امروزی جامعه مسیحیت به ضد مسیح پیروان کلیسای انجیلی آمریکا که حدود یک چهارم جمعیت این کشور؛ یعنی هفتاد میلیون نفر را تشکیل می‌دهند مهم‌ترین خاستگاه نظری راست گرایان مسیحی هستند. او انجلیست‌ها نظر بسیار ویژه‌ای نسبت به ضد مسیح دارند (Adler: 1972: 23)

جری فال ول، از کشیشان تیشیری آمریکا تلاش کرده‌است تا هویت ضد مسیح را مشخص کند. او می‌گوید: «در ذهن میلیون‌ها مسیحی این اعتقاد راسخ

رمز گونه در مقتضیات سیاسی آشکار بوده است. هر گونه انتقادی از حکومت قدغن بوده و هر انتقاد و خرده گیری مجازات اعدام و شکنجه داشته است. عده‌ای نمی‌خواستند سکوت کنند و در عین حال نمی‌توانستند حرفشان را با آزادی بزنند. پس کاربرد نمادهای سیری یا پیام‌های رمزی را فرا گرفتند. قابلیت ویژه الفبای عبری به راحتی خویش را در اختیار کاربرد چنین نماد رمزی قرار داد (Carpenter, 1890: 237).

همین حالت رمز و به ویژه عدد ۶۶۶ و سوسه یافتن مصداق شخص ضد مسیح را به دنبال داشته و بر این اساس است که تلاش‌های بسیاری برای رمزگشایی این عدد صورت گرفته است. تقریباً ۲۰۰۰ سال است که گشودن رمز این عدد و دست‌یابی به نام حقیقی ضد مسیح فکر بشر را به خویش مشغول کرده‌است. مخصوصاً پاپ‌ها و پادشاهان اروپا هنگامی که با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کردند، این عنوان را به یکدیگر نسبت می‌دادند. برای مثال «اولین بار مارتین لوتر پس از اینکه در برابر کلیسای کاتولیک قیام کرد و مورد تکفیر پاپ قرار گرفت، دستگاه پاپی را دجال نامید».

این رمزگشایی به اندازه‌ای مورد توجه بوده و علاقه به دست‌یابی به مصداق مشخصی برای این مفهوم روز افزون گشته‌است که همواره در هر عصر و زمان عده‌ای به نام دجال معرفی شده‌اند و البته، ارزش عددی حروف اسم آنها هم همواره مدنظر بوده است.

دو از نظر نام ابهام دارند و البته، ابهام ضد مسیح بسیار بیشتر است.

هر دو ضدیت مستقیم با خداوند دارد. دجال در اسلام صراحتاً اعلام «انا ربکم الاعلی» می‌کند، اما ضد مسیح اعلام مسیح بودن دارد.

روند فتنه دجال در اسلام با صراحت و روشنی بیشتر اعلام و معرفی شده است، اما اعمال و کارکرد ضد مسیح با رمز بیان شده است. البته، شایان ذکر است آنچه درباره کارکرد و اعمال هر دو بیان شده، خارق العاده است.

تفسیر نمادین مفاهیم دینی

در این بخش درصدد هستیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا باید به معنای ظاهری روایات آخر الزمانی اکتفا و بسنده کنیم یا می‌توانیم به تأویل آنها پردازیم؟

همیشه دو ادعا در کنار هم و به موازات هم به حیات خویش ادامه می‌دهند:

۱- اصرار به ظاهر این مسائل و دعوت به صبر و انتظار تا گذشت زمان، همه این امور را با همه جزئیاتش برای ما آشکار کند.

۲- اصرار بر تأویل مطالب مطرح شده.

هر یک از این موارد، نتایج خاص خویش را به دنبال خواهد داشت.

برداشت سمبلیک از احادیث و روایات و مفاهیم دینی و آخر الزمانی، در عین حال که مشکلات زیادی را حل می‌کند و پاسخ‌گوی بسیاری از شبهات است؛

وجود دارد که مسیح همیشه دشمنانی داشته است و در حال حاضر نیز در میان ما هستند» (همانجا).

به نظر او نمی‌توان قدرت ضد مسیح را از طریق بررسی قدرت رهبری و فرماندهی‌اش تصور کرد. ضد مسیح، دارای نفوذ گسترده است، قدرت جادویی فوق العاده‌ای دارد و چنان حاکمیتی بر جهان خواهد داشت که هیچ قدرت و جریانی نمی‌تواند به آن برسد. نکته قابل تأمل درباره آنتی کریست، این است که شیطان به او کمک می‌کند (Barkun, 1994: 270).

براساس باور برخی مسیحیان امروزی، شکل گیری حکومت ضد مسیح نزدیک است که بر اثر آن دیکتاتوری سیاسی و اقتصادی شدیدی حاکم خواهد شد، حکومت او هفت سال به طول می‌انجامد و دوره رنج بزرگ آغاز خواهد شد. در نیمه دوم هفت سال علیه اسرائیل اقدام خواهد کرد که به این ترتیب مجموعه گناهان بشر کامل شده و دوره بی سابقه‌ای برای آزار یهود آغاز می‌شود (ر.ک. H.Kah: 1992: 103-140).

با توجه به مطالب فوق می‌توان به جمع بندی زیر رسید:

۱- ضد مسیح حقیقتی انکارناپذیر در باور مسیحیان است.

۲- مسیحیان سعی در رمزگشایی نام او و تعیین مصداق برای این مفهوم داشته اند.

اکنون به بررسی جریانی یا شخصی دجال در اسلام می‌پردازیم و در ضمن، به صورت خلاصه جمع بندی می‌کنیم که دجال در اسلام و مسیحیت هر

دجال شخص یا جریان؟

بر این اساس و با پذیرش این مسأله و با توجه به صفات و ویژگی جسمانی و عملکردی که برای دجال ذکر شده است، می‌توان دجال را شخص معینی ندانست. به عبارت دیگر این مفهوم می‌تواند به یک جریان اشاره داشته باشد که با تأویل ویژگی‌های جسمانی، بسیاری از ابعاد این جریان مشخص می‌شود. به بیان دیگر، اگر خصوصیات ذکر شده درباره دجال را سمبلیک تفسیر کنیم، دجال دیگر شخص نیست، بلکه یک جریان است. جریانی که ضدیت آن با جریان خدایی و الهی منجی آخر الزمان مشهود است و در ضمن او دعوی خدایی دارد.

با این توصیفات و با توجه به پیشرفت علم و تغییر سبک زندگی بشر و افزایش سرعت در همه جزئیات زندگانی انسان و قابلیت تطبیق با وسایل امروزی که در دسترس بشر است، مسائل مرتبط با دجال قابل توجیه و تأویل است.

مسائل مرتبط با او مانند اوضاع ظاهر، قیافه، ادعاها و کارها و اعمالش عجیب و خارق العاده نیست؛ مثلاً دعوی خدای این جریان در متن آن نهفته است که در ادامه به آن می‌پردازیم؛ جریانی که بر دجال می‌تواند منطبق گردد، نظام سرمایه داری و لیبرال غرب است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۹۸).

برای مثال:

(۱) او یک چشم دارد، یا یکی از چشم هایش معیوب است، تفسیر می‌شود به اینکه این یک

راه را برای هر گونه توجیه و تأویل باز می‌کند و اسلام نیز ضررهای بسیاری از این طریق متحمل شده است؛ مثلاً فرقه‌های سیاسی چون اسماعیلیان و قرمطیان باطنی گرا، دست به این کار می‌زدند و نهایت سوء استفاده را از این عمل نیز می‌نمودند و البته، حربه برای سوء استفاده آنها نیز همین تأویل آیات و روایات بود.

همین تجربه های تلخ تاریخی و ضررهای غیر قابل جبران بر پیکر اسلام است که به ما این اجازه را نمی‌دهد به هر مفهومی از مفاهیم مذهبی شکل سمبلیک بدهیم، زیرا این امر به تفسیر به رای منجر خواهد شد.

اما از طرف دیگر، جمود و اصرار بر مفاهیم ظاهری الفاظ در جایی که قراین عقلی و نقلی در کار است، نیز صحیح نیست و موجب دور افتادن از مقصود و مفهوم اصلی سخن است (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۹۰). بنابراین، با توجه به جوانب فوق، تفسیر نمادین از مفاهیم دینی نه کاملاً مطرود و نه کاملاً مقبول است، بلکه باید به قرائت و نشانه‌های عقلی و نقلی در هر زمینه توجه دقیق داشت. با توجه به آنچه درباره دجال آمده، بالاخص ویژگی‌های ظاهری او به نظر می‌رسد که درباره دجال می‌توانیم برداشتی نمادین داشته باشیم.

در ضمن، درباره مسائل و مفاهیم مذهبی که توسط معصومین - علیهم السلام - بیان شده است این نکته حایز اهمیت است که همواره به زبان و لفظ مردمان همان عصر و زمانه بیان شده است.

(۵) دجال عمری طولانی دارد و از زمان حضرت رسول تا به الان وجود داشته است: نوعی تفکر سرمایه داری همراه با استثمار است که از زمان حضرت رسول بوده است. اتفاقاً این مسأله‌ای است که فرضیه جریان بدون مفهوم دجال را تشدید می‌کند، نه به این معنا که طولانی بودن عمر انسان با محدودیت روبه رو باشد زیرا این مسأله در جای خویش بحث و اثبات شده است، بلکه با توجه به این فرمایش حضرت رسول (ص) که فرمودند: «ما بین خلقت انسان تا روز قیامت امری و فتنه‌ای بزرگتر از دجال نیست» (بخاری، ۱۴۲۲ ه.ق. ج ۸/۹۰)؛ گویا دجال حرکتی فکری است که با حق عداوت داشته و همیشه با همه توان قصد ممانعت از اجرای احکام و اصلاحات الهی را دارد.

(۶) او در دریاها فرو می‌رود؛ دیگر مسأله‌ای خارق العاده نیست، زیرا زیر دریایی‌ها در این عصر متکلف همین امر هستند.

(۷) پیش روی او کوهی از دود است؛ می‌تواند تفسیر به این شود که مقابل او کارخانه‌های عظیم صنعتی است؛ گو اینکه پیشاپیش آن تحول و پیشرفت عظیم صنعت است.

(۸) و پشت سرش کوه سفیدی است که مردم آن را مواد غذایی می‌بینند؛ مردم دنبال مواد غذایی سالم هستند، اما نظام سرمایه داری با توجه به زندگی مادی و سریع زمانه حاضر، با فراهم کردن فست فودها که حقیقتاً بسیار مضر، اما ظاهراً رفع کننده نیازهای روزانه و بسیار خوشمزه هستند، دست

چشم، اقتصاد است و در زندگی مادی فقط یک بُعد از زندگی مدنظر است (همان، ۲۰۰).

(۲) هنگام ظهورش مردم گرفتار قحطی و کمبود مواد غذایی هستند؛ دجال همان نظام سرمایه‌داری است که عامل همه نابسامانیهاست. شکست این سیستم با توجه به بحران اقتصادی و همه جانبه در غرب مادی قابل تأمل است. بسیاری از افراد طبقات متوسط جوامع غربی و آمریکا با از دست دادن شغل و خانه و کاشانه خویش محتاج مایحتاج روزانه خویش هستند و این نیازها را از طریق بنگاههای خیریه رفع می‌کنند.

(۳) درباره ادعای الوهیت و خدایی که می‌کند و می‌گوید من کسی هستم که آفریده یا می‌آفریند؛ این یکی از ویژگی تمدن علمی و مادی غرب است، چون شرق و غرب را با وسایل ارتباط جمعی و مادی تصرف کرده است؛ انسان را از متافیزیک و خدا دور کرده و زمام اختیار بشر را به دست گرفته است. با انواع اکتشافات و فن آوری‌های گوناگون، اعم از ورود به عرصه بی نهایت ریزها (نانو) و تسخیر فضا و تحقیقات فضایی، نوعی از بی نیازی از خدا را در درون خویش احساس می‌کند.

(۴) هیچ زمینی باقی نمی‌ماند، مگر اینکه آن را از زیر پای خویش درگذراند: نوع تفکر مادی غرب همه زمین را تحت تأثیر خویش قرار داده است. تقریباً هیچ جایی در زمین نیست که این تفکر در او نفوذ نکرده باشد.

اشخاص است. بر اساس این تفسیر، دجال ها می‌توانند متعدد باشند و ویژگی هایی که برشمردیم و تفسیرش را بیان کردیم، بر آنان منطبق باشد.

۲- کنایه از جریان مادی گرای غرب است و اساساً مصداق شخصی خاصی ندارد.

۳- فرد معین و مشخصی است که یک مصداق دارد. البته، این احتمال بسیار ضعیف است، زیرا همان گونه که پیش از این بیان کردیم، ویژگی جسمانی و عملکردی مفهوم دجال که در روایات وارد شده است، مطابقت چندانی با ویژگی های یک انسان ندارد، بلکه به نظر می‌رسد بیشتر بر ابزار تکنولوژیک یک جریان دلالت دارد.

مصداق دجال

آنچه به عنوان مصداق برای دجال می‌توان بیان نمود، نظام سرمایه داری و لیبرال است؛ حتی درباره ضد مسیح هم تلقی جریانی نظام سرمایه داری دارای قوت است، زیرا همان گونه که پیش از این ذکر کردیم، با توجه به این رمز در مکاشفات یوحنا که خرید و فروش و یافتن شغل منوط به در دست داشتن عدد وحش ۶۶۶ است، زیرا اگر مقصود از این عدد بارگد باشد، محصول نظام سرمایه داری است.

در ضمن، یکی از نمادهای مورد استفاده شیطان پرست ها FFF است. عده‌ای بر این باورند که FFF همان ۶۶۶ است، زیرا F ششمین حرف از حروف زبان انگلیسی است که با این توضیحات آنتی کریست

به فریب بشر زده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۲۰۰).

۹) مرکب او سفیدست و هر گامش یک میل است: با وسایل تندرو و مافوق صوت عصر حاضر، دیگر این موضوع خارق العاده نیست و کاملاً قابل تطبیق است.

۱۰) با صدای بلند خویش چنان ندا در می‌دهد که از مشرق تا مغرب صدایش شنیده می‌شود: شاید ناظر به وسایل ارتباط جمعی عصر حاضر باشد که فراخوان احزاب، دسته ها و گروهها در هر جای دنیا که باشند به گوش حامیان و طرفدارانشان می‌رسد. وسایلی مانند ماهواره، شبکه‌های تلویزیونی جهانی و در فضای سایبر و مجازی به وسیله شبکه جهانی اینترنت و پایگاههای رادیویی و ...

همان طور که ملاحظه می‌شود، می‌توان با تفسیر سمبلیک و تأویل ویژگیهای مفهوم دجال، از آن به عنوان یک جریان ضد حق که مقابل حکومت انقلابی منجی آخر الزمان می‌ایستد، تعبیر کرد.

بنابراین، درباره دجال به عنوان یک جریان یا یک شخص معین با مصداق شخصی خاص چند احتمال را ذکر می‌کنیم:

۱- نام شخص معینی نیست. هر کس با ادعای پوچ و بی اساس و یا حيله و نیرنگ در صدد فریب مردم باشد و بدین وسیله قصد ایستادگی در برابر نیروی انقلابی و اصلاحگر منجی آخر الزمان را داشته باشد، دجال است. دجال صفتی برای این

اسلامی به نام دجال و در منابع مسیحی به نام ضد مسیح (آنتی کریست) نامیده می‌شود.

۲- دجال در اسلام ادعای خدایی می‌کند و ضد مسیح در مسیحیت مدعی مسیح بودن دارد و در واقع، مسیح بودن حضرت عیسی را انکار می‌کند.

۳- هر دوی این مفاهیم از نظر نام ابهام دارند، اما ابهام ضد مسیح با توجه به عدد وحش (۶۶۶) بیشتر است و به همین دلیل، تلاش برای رمزگشایی از این عدد سال‌هاست دغدغه جامعه کلامی مسیحیت است؛ به گونه‌ای که در طول تاریخ به دنبال معرفی مصداق برای این مفهوم بوده‌اند.

۴- کارکرد دجال در منابع دینی با جزئیات بیشتری بیان گردیده است. شرایط زمانی و مکانی خروج او و فعالیت‌های او تصویر دقیقتری نسبت به آنچه درباره ضد مسیح در اناجیل آمده است، در اختیار ما قرار می‌دهد تا جایی که به صراحت درباره قاتل او سخن به میان آورده است.

۵- تلقی جریان‌های درباره این دو مفهوم، از نکات مشترکی است که با توجه به قرائت به آن اشاره گردید. جریان سرمایه‌داری درباره هر دو مفهوم قابلیت انطباق دارد، لکن از آنجا که این مباحث مرتبط با وقایع آینده است، اظهار نظر قطعی درباره آن صحیح نیست.

منابع:

- انجیل

- قرآن کریم

باز هم جریانی باطل است بر ضد حق پرستی (Barkun, 1994: 103).

فرجام دجال

روایات فریقین پیرامون موضوع از میان بردن دجال را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: ۱- دسته‌ای از روایات امام عصر-علیه السلام- را از میان برنده دجال معرفی می‌کند؛ برای مثال، «القائم الذی یقوم غیبه فیقتل الدجال» (صدوق، ۱۴۲۲ ه.ق، ۳۳۵/۲) و یا از حضرت سجاد (ع) نقل است که فرمودند: «المهدی الذی یقتل الدجال» (همانج) ۲- دسته‌ای دیگر از روایات فاعل قتل را به حضرت عیسی نسبت داده‌اند. برای نمونه: «... و یقتله عیسی ابن مریم» (اربلی، ۱۴۲۱ ه.ق، ۲۷۳/۳).

در جمع این روایات با توجه به اعتقاد مسلمانان به بازگشت حضرت عیسی (ع) و مقام وزارت ایشان در حکومت آینده جهان به رهبری امام زمان باید گفت که هر دو دسته روایات قابل اعتنا و پذیرفتنی است. به عبارت دیگر، دسته اول روایات از میان بردن دجال را به رهبر این حکومت جهانی و دسته دوم به وزیر این حکومت انتساب می‌دهد.

نتایج مترتب بر تطابق دجال و ضد مسیح

۱- در الهیات اسلامی و مسیحی، یک مفهوم مشترک در ضدیت با جریان الهی و انقلابی منجی آخر الزمان، قد علم خواهد کرد که در مآثورات

- ۱- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۸). **لسان العرب**، بيروت: انتشارات دار الاحياء.
- ۲- اربلی، علی ابن عیسی. (۱۴۲۱). **كشف الغمه فی المعرفه الائمه**، بيروت: دارالاصفراء.
- ۳- ابن حماد، نعیم. (۱۴۲۳). **الفتن**، بيروت: دارالکتب العلمیه.
- ۴- بخاری، محمد ابن اسماعیل. (۱۴۲۲). **صحیح**، بيروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۵- تونه‌ای، مجتبی. (۱۳۸۴). **موعودنامه (فرهنگ الفبایی مهدویت)**، قم: میراث ماندگار.
- ۶- حسینی دشتی، سید مصطفی. (۱۳۶۹). **معارف و معاریف؛ اعلام و اصطلاحات اسلامی**، قم: انتشارات موسسه اسماعیلیان.
- ۷- سید حیدر کاظمی، سید مصطفی. (۱۴۱۰). **بشاره الاسلام**، تحقیق داوود میرصابری، تهران: موسسه بعثت.
- ۸- شفیع سرورستانی، اسماعیل. (۱۳۸۲). **پیش گویی ها و آخر الزمان**، تهران: موسسه موعود.
- ۹- صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۴۲۱). **منتخب الاثر**، قم: انتشارات معصومه.
- ۱۰- صدوق، محمد ابن علی. (۱۴۲۲). **کمال الدین و تمام النعمه**، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- ۱۱- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱). **کتاب الغیبه**، قم: موسسه معارف اسلامی.
- ۱۲- فاطمیان، علی. (۱۳۸۳). **نشانه های پایان**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۳- کورانی، علی. (۱۴۱۱). **معجم الاحادیث المهدی (ع)**، قم: معارف الاسلامیه.
- ۱۴- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۷۲). **بحار الانوار**، تهران: انتشارات اسلامیه.
- ۱۵- نیشابوری، مسلم. (۱۳۹۸ هـ.ق). **صحیح**، بيروت: دارالفکر.
- ۱۶- مفید، محمد بن نعمان. (۱۳۴۶). **الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
- ۱۷- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۶). **حکومت جهانی مهدی (ع)**، قم: مدرسه الامام علی ابن ابیطالب.
- ۱۸- نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲). **کتاب الغیبه**، تحقیق فارس حسون کریم، قم: [بی نا].
- ۱۹- هاکس، جیمز. (۱۳۴۹). **قاموس کتاب مقدس**، تهران: [بی نا].
- ۲۰- هلی، هنری. [بی تا]. **راهنمای کتاب مقدس**، مترجم جسیکا بابائیان، تهران: انتشارات پاپلشیر.
- 21-Adler, selig, (1972) **American and Holyland**, Newyork.
- 22-Barkun, Micheal, (1994) **Religion and God**, London chapel Hill.
- 23-B. Norton, peter, (1995) **Encyclopedia of Britanica**, U.S.A.
- 24-BoRick, John, (1969) **the new testament Era**, London, Atc Black.
- 25-Carpenter, J. E, (1890) **The History of religion in theological study**, London, Black Press.
- 26-Gary, H.kah, (1992) **En Route to Grobal occupation** U.S.A, Huntington House.
- 27-Hinnells, John, (1986) **Penguin dictionary of religious London**, Black Press.
- 28-M. Adams, Lewis, (1968) **Webster's Encyclopedia**, U.S.A. Book Inc.

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله